

محمود ذاکری؛ سراینده ۱۳ هزار بیت از سیر ادبی اش می گوید

شاعر شدن با کتابخانه پدر

راه تجربه

زن عکس: فاطمه جاهدی/شهرآورد



حسین برادران فر: دیوان حافظ، کلیات سعدی، شاهنامه، مجمل التواریخ، ناسخ التواریخ، همه در طاقچه کوچک گچی یکی از اتاق های منزلشان چیده شده بود. پدر که در خانه بود، بیشتر وقتش با خواندن این کتاب های گذشت. محمود نیز در همان عالم کودکی روی پای پدر می نشست و به صدای او گوش می داد. او شیفته آهنگ خوش اشعار شده بود. زمانی که محمود ذاکری در ده سالگی اولین شعرش را برای پدر خواند، تشویق های پدر، او را به سمت شاعری سوق داد. سال ها از آن زمان می گذرد و شاعر محله سمزقند حال دیوان شعر در دست دارد که خودش سروده است. ذاکری با وجود نداشتن سواد دانشگاهی، تنها با تکابه ذوق، قریحه و عشقی که به شاعری داشته، دیوانی چند هزاربیتی سروده و چاپ کرده است. با او هم کلام می شویم و او از فراز و نشیب های این مسیر می گوید.

این شاعر خوش ذوق نزدیک سه سال در جلسه شب شعر «انجمن ادبی خراسان» که در باغ نادری برگزار می شد، شرکت می کرد و با بسیاری از شاعران معروف مشهدی از جمله استاد احمد کمال پور، دکتر حسین علی بیهقی، رضا شکوهری حشرونشر و مراد هاشمی داشته است. او با ذکر خاطره ای در این باره می گوید: یکی از افراد مشهور و معروف این جمع شاعرانه، استاد احمد کمال پور بود که خیلی هوایم را داشت. همان او ایلی یکی از اشعارم را که به سبک کلاسیک و نزدیک به اشعار حافظ بود، در جمع شاعران خواندم. چند نفر از حاضران انتقاد کردند که این اشعار را به تقلید از فلان شعر حافظ سروده ام و بی ارزش است. اما استاد کمال پور مخالفت کرد و گفت این شعر تقلیدی نیست و معنا و مفهوم تازه ای دارد.

سرقت اشعار سروده شده

محمود ذاکری در طول سال های متمادی بر اساس ذوق و شوق شاعری که داشت، اشعار زیادی سرود و به صورت دفترچه هایی دست نویس در خانه نگهداری می کرد. با سرقت بخشی از این اشعار دست نویس به فکر چاپ اشعارش افتاد. ذاکری می گوید: با مراجعه به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مشهد، موضوع را اطلاع دادم و مانع از انتشار آن ها توسط سارقان ادبی شدم. بعد از این ماجرا برای چند سال همه اشعار دست نویس باقی مانده و آن هایی را که سرقت شده بود، دوباره جمع آوری و ویراستاری کردم و در سال ۱۴۰۵ «دیوان ذاکری» را با بیش از ۱۳ هزار بیت شعر به چاپ نهایی رساندم. میان اشعار این کتاب چاپ شده، سبک های غزل، ترجیع بند، مسمط، مثنوی را می توان دید. موضوع اشعار نیز بیشتر مذهبی و اجتماعی است و اشعار مدحی مربوط به امامان و به ویژه امام زمان (عج) است.

او این روزها مشغول جمع آوری اشعار تازه سروده و به دنبال چاپ جلد دوم کتاب اشعارش است. از خدا خواسته است که این کار را هرچه زودتر و قبل از مرگ به سرانجام برساند.

سطح بود و بعد از آن دیگر فرصتی برای درس خواندن پیدا نکرد. شاید از لحاظ کلاسیک و علم روز دانشگاهی، محمود ذاکری با داشتن مدرک ششم ابتدایی سواد چندانی نداشته باشد. اما کتاب هایی که او در همان سن کم می خواند، اکنون در دانشگاه هاندریس می شود. تفسیر جامع، ناسخ التواریخ، مجمل التواریخ، تاریخ طبری، شاهنامه، کلیات سعدی، نظامی و مولانا از جمله کتاب هایی است که او در نوجوانی خوانده است.

استعداد عجیب در حفظ اشعار

علاقه و استعداد محمود ذاکری در زمینه حفظ اشعار فارسی به اندازه ای است که با یک بار خواندن، آن ها را حفظ می کند. این شاعر با استعداد با بیان خاطره ای در این باره می گوید: کلاس پنجم، معلم سر کلاس، یکی از اشعار سعدی را برایمان خواند و به بچه ها گفت «هر کس بتواند این ابیات را تا فردا حفظ کند، جایزه ای خوب پیش من دارد». یادم است هجده بیت سعدی را همان جاسر کلاس بعد از چند بار خواندن حفظ کردم و آخر کلاس جلو معلم و بچه ها بدون غلط خواندم. لحظه خواندن اشعار، چشمان معلم گرد شده بود و برایش قابل باور نبود. چند مرتبه از روی تعجب پرسید: «تو از قبل این اشعار را حفظ بودی؟» گفتم همین الان حفظ کرده ام.

۶۴ سال عضویت در کتابخانه آستان قدس رضوی

محمود ذاکری به توصیه معلمان مدرسه و برای آشنایی با دیوان شاعران و آواز شعر، عضو کتابخانه آستان قدس رضوی شد و این عضویت تا امروز ادامه دارد. آقا محمود می گوید: حدود ۶۴ سال از عضویت من در کتابخانه آستان قدس رضوی گذشته است. مکان کتابخانه تغییر کرده است و دو نسل از کتابداران آن پیر و بازنشسته شده اند. خوشبختانه چون شغلم آزاد بود (موزاییک سازی) برای رفتن به کتابخانه محدودیت زمانی نداشتم. آن قدر شیفته کتاب ها و اشعار می شدم که گذشت زمان را فراموش می کردم. یک روز صبح از ساعت ۸ صبح تا ۸ شب در کتابخانه بودم. خانواده نگرانم شده بودند که نکنند اتفاقی برایش افتاده است.

سکونت اجباری در زاوین کلات

محمود ذاکری متولد سال ۱۳۲۳ در زاوین کلات است. البته به گفته خودش، او اصالتی مشهدی دارد و روستای «فارمد»، زادگاه خانوادگی و اجدادی اش است. ماجرای کوچ اجباری خانواده آن ها به این نقطه مرزی، به دوران کشف حجاب رضا خانی برمی گردد. مرحوم شیخ صفر علی ذاکری، پدر محمود ذاکری، از دوستان و مریدان مرحوم بهلول گنابادی و آیت... فقیه سبزواری بود و در قضیه قیام مسجد گوهرشاد نقش فعالی داشت. بعد از ماجرای خونین مسجد گوهرشاد ما موران امنیتی در به در دنبال دستگیری شیخ صفر علی بودند. او نیز به همراه خانواده اش از مسیر بیابان به سمت کلات حرکت کرد. ذاکری می گوید: به دلیل سختی و مشقت راه در نزدیکی زاوین برادر و خواهر کوچکم، جان خود را از دست دادند و خانواده مادر زاوین کلات ساکن شدند.



۶ کلاس سواد

مرحوم شیخ صفر علی در زاوین کلات به عنوان مربی قرآن، خواندن کتب درسی را به دانش آموزان این روستا آموزش می داد و پسرش یکی از شاگردانش شد. به گفته خودش او تا کلاس سوم رانزد مرحوم پدرش خواند و پدر اولین کسی بود که استعداد شاعری او را کشف کرد. آقا محمود با اشاره به دلیل این اتفاق می گوید: هفت ساله بودم که ما موران اداره فرهنگ به زاوین آمدند و بچه ها را برای تحصیل در مدارس جدید ثبت نام کردند. اما پدرم به این مدارس اعتقادی نداشت و از ثبت نام من و برادر بزرگم جلوگیری کرد. بعد از آن، ما تا کلاس سوم رانزد پدر آموختیم و با بیماری او از ادامه تحصیل بازماندیم. آقا محمود بعد از فوت پدر و بازگشت به مشهد بین سال های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ کلاس پنجم و ششم را در مدرسه اکابر بزرگسالان واقع در کوچه جوادیه طبرسی گذراند. همه سواد می که آموخت، تا همین